

# چامک

ضمیمه خبری دوماهنامه ادبی چامه

شماره نهم | هفته دوم بهمن ۱۴۰۱ | رایگان | ۱۴ صفحه



هستی را وانهاد

فیلسوف خسته  
سید نعمت الله  
عبدالرحیم زاده



عبدالله انوار

از بیمارستان

به خانه آمد

عبدالله انوار ۹۸ ساله که به دلیل عارضه کلیوی در بیمارستان بستری است، گفت: امروز از بیمارستان مرخص می‌شوم.

این پژوهشگر و نسخه‌شناس پیشکسوت در مکالمه‌ای کوتاه با ایسنا، گفت: کلیه‌هایم مشکل پیدا کرده است؛ سن بالا رفته و کلیه‌ها دیگر فعالیت قبل را ندارند.

به گفته انوار، او از بیمارستان مرخص شده و دوران نقاهت را در منزل خود خواهد گذراند.

سید عبدالله انوار، متولد سال ۱۳۰۳ تهران، ریاضی‌دان، منطق‌دان، موسیقی‌دان، تاریخ‌دان، فلسفه پژوه، تهران‌شناس، حقوق‌دان، نسخه‌پژوه، نسخه‌شناس، ادیب، فهرست‌نویس، متخصص متون کهن و در یک‌کلام جامع معقول و منقول ایرانی است.

او بیش از ۲۰ سال رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران بود و در طول دوران کاری خود حدود ۱۰ جلد فهرست نسخه‌های خطی به فارسی و عربی را تدوین کرد.

انوار یکی از حروف (مجلدات) لغت‌نامه دهخدا را نیز تدوین کرده‌است. او مسلط به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسه است. عبدالله انوار، دارای تصحیحات بسیاری است که از مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها می‌توان به جهانگشای نادری اشاره کرد.





عطاءالله مهاجرانی نامزد کتاب سال شد

نامزدهای گروه «ادبیات» چهلمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از سوی دبیرخانه این جایزه در حالی اعلام شد که عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت هفتم، نامش در میان لیست به چشم می‌خورد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، در گروه «ادبیات» ۱۷ کتاب در موضوع‌های «متون قدیم»، «نقد ادبی (ترجمه)»، «ادبیات عربی» و «ادبیات زبان‌های دیگر» به مرحله دوم داوری چهلمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران راه یافتند.

هفت کتاب زیر نیز در موضوع «ادبیات عربی» به عنوان نامزد معرفی شدند:

«ایرانیان، فرهنگ و ادبیات عربی» تألیف عنایت‌الله فاتحی‌نژاد، تهران: فرهنگ معاصر، ۵۳۸ ص.

«درخت نخل و همسایه‌ها» نوشته غائب طعمه فرمان، ترجمه موسی اسوار، تهران: هرمس، ۱۴۰۰، ۳۲۴ ص.

«خاکستر» نوشته نجیب محفوظ، ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور، تهران: نیلوفر، ۱۴۰۰، ۴۶۰ ص.

«دروازه خورشید» نوشته الیاس خوری، ترجمه سیدحمیدرضا مهاجرانی، تهران: روزنه، ۱۴۰۰، ۶۰۸ ص.

«در بیروت دریایی نیست» نوشته غاده السمان، ترجمه سرمد اغوالی، تهران: نگاه، ۱۴۰۰، ۱۸۵ ص.

«عزازیل»، نوشته یوسف زیدان، ترجمه فریبا حزباوی، تهران: ققنوس، ۱۴۰۰، ۴۰۰ ص.

«موسم هجرت به شمال» نوشته طیب صالح، ترجمه سیدعطاءالله مهاجرانی، تهران: امید ایرانیان، ۱۴۰۰، ۱۷۰ ص.



به مسکو، داستان پیلاتس، فرماندار رومی و به صلیب کشیدن مسیح و عشق مرشد و مارگریتا هستند.

نوشته شدن و چاپ «مرشد و مارگریتا» داستان جالبی دارد.

بولگاکوف نوشتنش را سال ۱۹۲۸ آغاز کرد و اولین نسخه خطی آن را دو سال بعد به دست خود آتش زد. سال ۱۹۳۱ دوباره نوشتن این رمان را آغاز کرد و پیش نویس دوم در سال ۱۹۳۵ به اتمام رسید. کار بر روی سومین پیش نویس نیز سال ۱۹۳۷ به پایان رسید و بولگاکوف با کمک گرفتن از همسرش، به دلیل بیماری، کار بر روی نسخه چهارم پیش نویس را تا چهار هفته پیش از مرگش در سال ۱۹۴۰ ادامه داد. کتاب در نهایت سال ۱۹۴۱ توسط همسر بولگاکوف به پایان رسید، اما در زمان استالین اجازه چاپ نگرفت و سرانجام سال ۱۹۶۵ با حذف ۲۵ صفحه و تغییر برخی نام‌ها و مکان‌های ذکر شده در تیراژ محدودی به چاپ رسید که با استقبال شدید مردم مواجه شد.

این رمان دو فصل اصلی با نام‌های «کتاب اول: هرگز با بیگانگان سخن مگو» و «کتاب دوم: مارگریتا» دارد که بخش‌های مختلف را در برمی‌گیرند.

به گزارش خبرنگار مهر، رمان «مرشد و مارگریتا» نوشته میخائیل بولگاکوف با ترجمه بهمن فرزانه به تازگی توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ ششم رسیده است. این ترجمه بر اساس نسخه‌ای که سال ۱۹۹۲ منتشر شده انجام گرفته و چاپ اولش توسط امیرکبیر مربوط به سال ۱۳۹۶ است.

از این رمان ترجمه دیگری به قلم عباس میلانی در بازار نشر کشور موجود است که توسط نشر نو عرضه می‌شود.

این کتاب یکی از مشهورترین و مهم‌ترین آثار ادبیات روسیه محسوب می‌شود که ۲۵ سال پس از درگذشت نویسنده‌اش اجازه چاپ گرفت و منتشر شد. با گذشت یک شب از چاپ این کتاب، ۳۰۰ هزار نسخه از آن به فروش رفت. زمان درگذشت بولگاکوف جز همسر و تعدادی از دوستان نزدیک‌اش کسی از وجود این رمان خبر نداشت. بولگاکوف ۱۳ سال پایانی عمر خود را صرف نوشتن این کتاب کرد.

پس از چاپ کتاب و فروش یک‌شبه نسخه‌های آن، هر جلد «مرشد و مارگریتا» چندبرابر قیمت به فروش می‌رفت. این رمان که به خیلی از زبان‌ها ترجمه شده، ۳ داستان موازی دارد که درباره سفر شیطان



با حکم اسماعیلی؛

## علی محمد مؤدب دبستیار وزیر ارشاد در امور شعر شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور حکمی علی محمد مؤدب را به عنوان دبستیار خود در امور شعر منصوب شد. به گزارش خبرگزاری مهر، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور حکمی علی محمد مؤدب را به عنوان **دبستیار خود در امور شعر** منصوب شد. مشروح متن این حکم را در ادامه می‌خوانید:

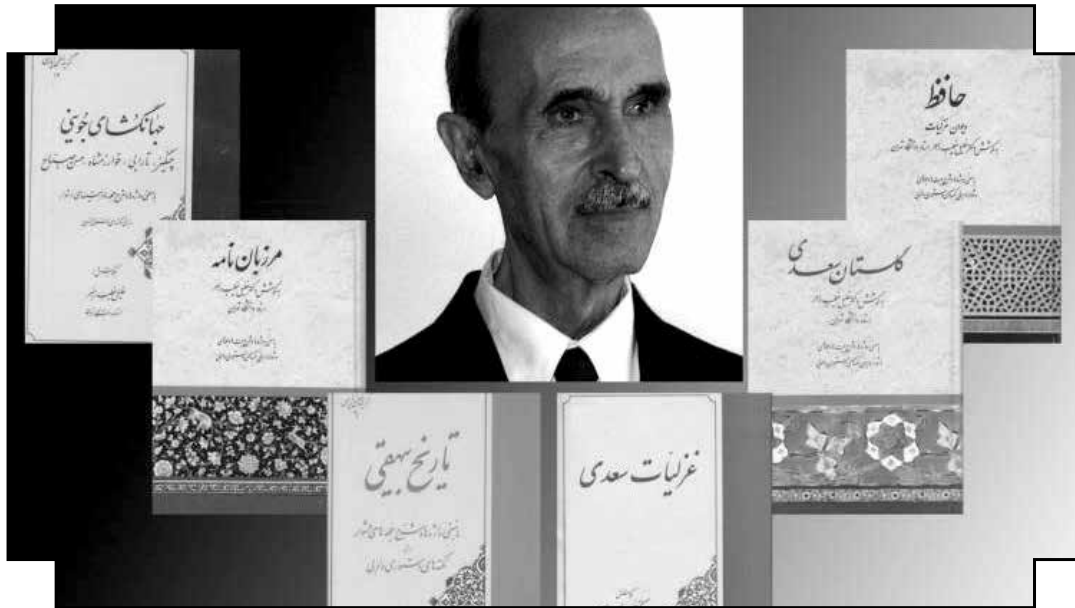
جناب آقای علی محمد مؤدب

با عنایت به توانمندی متعهدانه، ذوق سرشار، تسلط، تعامل و شناخت در حوزه شعر و همچنین روحیه مکتبی و انقلابی و جناب‌عالی در حوزه ادبیات، به موجب این حکم به عنوان «دبستیار وزیر در امور شعر» منصوب می‌شوید. امید است با اتکال به خداوند متعال و با مشی خردمندانه و روحیه تعاملی که از آن برخوردارید، با ایجاد هم‌افزایی مناسب بین فعالان این حوزه مهم و اثر گذار، مأموریت‌های ذیل را برای اعتلای این هنر بزرگ و راهبردی مورد اهتمام و توجه قرار دهید.

۱. تشکیل شورای سیاست‌گذاری شعر به منظور اعتلای جایگاه شعر با همکاری معاونت امور فرهنگی؛ ۲. **تعامل و هم‌افزایی با شاعران برجسته کشور و تلاش در جهت رفع موانع و مشکلات آنها؛** ۳. برنامه‌ریزی برای تکریم شاعران برجسته کشور؛ ۴. ارائه طرح‌های مؤثر در زمینه آموزش و تربیت شاعران جوان؛ ۵. ایجاد زمینه مناسب برای اتصال و تعامل تشکیلاتی بین شاعران و همچنین ارتباط با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۶. **همکاری و هم‌راستایی با معاونت امور فرهنگی به منظور حفظ وحدت رویه در حکمرانی فرهنگی**







پارسی و نگهبانان سرمایه گرانبهای فرهنگ ایران به شمار می‌روند، آسان‌تر بتوانند با ادبیات کهنسال میهن گرامی خود آشنا شوند، چاره آن است که چراغی فراراهشان باشد.» وی دغدغه آموزش و انتقال آموخته‌هایش به دانشجویان و ادب‌دوستان را داشت و از بهترین استادان ادبیات زمان خود محسوب می‌شد.

یاحقی با اشاره به آثار به‌یاد مانده از خطیب‌رهبر گفت: یکی از بهترین یادگارهای به جای مانده از خطیب‌رهبر تصحیح سه جلدی تاریخ بیهقی نوشته ابوالفضل بیهقی است. این اثر بهترین شرح و تصحیح از تاریخ بیهقی محسوب می‌شود که خطیب‌رهبر در آن، تاریخ بیهقی را به یکی از منابع تاریخی دوره غزنوی تبدیل کرده است و به شرح و معنی واژه‌های آن به صورت یک دایره‌المعارف پرداخته است. شرح خطیب‌رهبر بر تاریخ بیهقی کتابی بی‌بدیل است و به چاپ‌های متعدد دو رقمی رسیده ولی در شرح نویسی بر گلستان سعدی می‌توان گفت کتاب غلامحسین یوسفی بیشتر مورد پسند قرار گرفته است.

یاحقی در توضیح اینکه امثال خطیب‌رهبر، خانلری و زریاب خویی، از افتخارهای ادبیات معاصر ما هستند، گفت: خطیب‌رهبر از عاشقان واقعی گنجینه فرهنگ و تمدن ایران زمین بود که برای همیشه آثارش چراغ راه دانشجویان و محققان زبان و ادبیات فارسی خواهد ماند.

محمدجعفر یاحقی در گفت‌وگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، با اشاره به فرارسیدن هشتمین سالروز درگذشت، خلیل خطیب‌رهبر، ادیب، نویسنده و شارح متون کلاسیک فارسی عنوان کرد: **خطیب‌رهبر شخصیتی شاخص در حوزه شرح متون کلاسیک فارسی بود که آثار زیادی را در تصحیح و تحشیه گنجینه‌های ادب این مرزوبوم به یادگار گذاشته و شاهکارهای شاعران و نویسندگان بزرگی از جمله سعدی، حافظ، ابوالفضل بیهقی، سنایی، رودکی، مولوی و جامی را برای استفاده دانشجویان تلخیص کرده است.**

این پژوهشگر با بیان اینکه خطیب‌رهبر اهل گزیده‌نویسی نبود بلکه به خلاصه‌نویسی با توضیح کل متن ادبی برای آشنایی دانشجو با محتوا و سبک نوشتاری شاعران و نویسندگان بزرگ می‌پرداخت، افزود: به عنوان نمونه وی متن کامل و نه گزیده‌ای از گلستان و تاریخ بیهقی را به صورت خلاصه در اختیار دانشجویان و اهل تحقیق قرار می‌داد. اکنون اما اغلب استادان به تدریس و نگارش گزیده‌ای از متون اکتفا می‌کنند که این امر آفتی برای تدریس زبان و ادبیات فارسی شده و دانشجو تنها با تعدادی از اشعار یا بخش‌هایی از متون منثور آشنایی می‌یابد.

وی ادامه داد: خطیب‌رهبر در مقدمه تصحیح خود بر مرزبان‌نامه هدف خود را از تهیه خلاصه مشروح متون فارسی این‌گونه بیان کرده است: «برای آنکه دانشجویان که دوستار سخن



«اثرخانه» سامانه مدرسه همگانی شعر و داستان

## ۲۰۰ میلیون تومان

### جایزه برای

### شعر و داستان

شرفی خوشان با بیان اینکه «باغ رمان ایرانی» نشان‌دهنده این است که بعد از ۴۴ سال فعالیت به جایی رسیده‌ایم که می‌توانیم شاهد ورود جوانانی باشیم که بتوانند ۴۴ رمان با موضوع انقلاب اسلامی خلق کنند، گفت: باغ رمان ایرانی عامل اتصال پیشکسوتان و جوانان در عرصه رمان‌های متعالی با محتوای ارزشمند است که خود می‌تواند یک دستاورد باشد. وی همچنین از تقدیر از سیدحسن حسینی‌ارسنجانی که عمر خود را برای نوشتن رمان صرف کرده، در افتتاحیه «باغ رمان ایرانی» خبر داد و گفت: ارسنجانی به صورت نمادین نهالی در حوزه هنری خواهد کاشت. وی افزود: سیزدهمین جایزه داستان و شعر انقلاب اسلامی با دوره‌های پیشین خود تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله اینکه نزدیک به نیم میلیارد تومان به آثار برتر این دوره، جایزه نقدی اعطا خواهیم کرد. بر این اساس در سیزدهمین جایزه داستان و شعر انقلاب اسلامی، برای رمان بزرگسال ۲۰۰ میلیون تومان، برای رمان نوجوان ۱۰۰ میلیون تومان، برای مجموعه داستان ۱۰۰ میلیون تومان و برای مجموعه شعر ۵۰ میلیون تومان جایزه نقدی در نظر گرفته شده است.

شرفی خوشان یادآور شد: جایزه داستان و شعر انقلاب اسلامی به آثار پیش از انتشار و آماده انتشار تعلق می‌گیرد و این جایزه، هم به لحاظ میزان مبلغ اهدایی و هم حضور نویسندگان حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین جایزه ادبی کشور است.

مدیرکل آفرینش‌های ادبی حوزه هنری همچنین به جایزه داستان و شعر انقلاب اسلامی با عنوان جایزه «امیرحسین فردی» اشاره کرد و گفت: بعد از وقفه دوساله به خاطر شیوع ویروس کرونا، سیزدهمین دوره این جایزه داستان و شعر انقلاب اسلامی را در این ایام افتتاح می‌کنیم.

شرفی خوشان همچنین سامانه اثرخانه را سامانه مدرسه همگانی شعر و داستان معرفی و تاکید کرد: «اثرخانه» به نوعی تحقق عدالت آموزشی در حوزه شعر و داستان است؛ چراکه افراد از مناطق دوردست را به اساتید این حوزه متصل می‌کند.

وی ادامه داد: در این برنامه ما شاهد اتفاق نوینی در عرصه علاقه‌مندان به شعر و داستان خواهیم بود و پیش‌بینی می‌کنیم این طرح با حضور ۲۰ منتقد، جمعیت آماری دو هزار نفری اهالی ادب را پوشش دهد. مدیرکل مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری دومین برنامه این مرکز را آغاز «رویش ۴۴ رمان در باغ رمان ایرانی» معرفی کرد و افزود: باغ رمان ایرانی که ۱۹ بهمن ماه در تماشاخانه ماه افتتاح می‌شود، مفصل‌ترین برنامه ما در سال ۱۴۰۲ است.

بر این اساس رمان‌نویسانی که آماده نوشتن اولین رمان خود هستند، شناسایی شده‌اند تا در دوره هفت ماهه زیر نظر اساتید شرکت کنند و با انتخاب مضامین پیشنهاد شده و مرتبط با انقلاب اسلامی ۴۴ رمان به نگارش در آورند و آثار توسط انتشارات سوره مهر منتشر شود.

# شعر فجر



## برگزیدگان هفدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر معرفی شدند | خانه کتاب و ادبیات ایران

برگزیدگان هفدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر امروز جمعه (چهاردهم بهمن ماه ۱۴۰۱) در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما معرفی شدند.

به گزارش ستاد خبری هفدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، برگزیدگان پنج گروه ادبی شعر کلاسیک، شعر نو (قالب‌های نیمایی و سپید)، شعر محاوره، شعر کودک و نوجوان و درباره شعر (پژوهش‌های حوزه شعر) این جشنواره معرفی شدند که به شرح زیر است:

شایسته تقدیر بخش شعر «بزرگسال (گروه شعر کلاسیک)»: «زیر ساعت حرم» اثر مریم سقلاطونی از انتشارات سوره مهر؛ «مرتد» اثر مهدی جهاندار از انتشارات شهرستان ادب.

شایسته تقدیر بخش شعر «بزرگسال (گروه شعر نو)»: «میان جیوه و اندوه» اثر لیلا کردیچه از مؤسسه انتشارات نگاه.

شایسته تحسین بخش «شعر بزرگسال (شعر محاوره)»: «نسخه‌ی مجنون من» اثر پریسا صفاریان از انتشارات فصل پنجم.

عباس باقری، صادق رحمانی، عبدالرحیم سعیدی‌راد، ایرج قنبری، زهرا محدثی خراسانی، جلال محمدی و سعید یوسف‌نیا داوران بخش «شعر بزرگسال» بودند.

شایسته تقدیر بخش شعر «کودک و نوجوان»: «دل‌تنگم و می‌دانی...» اثر مریم زندی از انتشارات سروش.

«قلب کوه از سنگ نیست» اثر غلامرضا بکتاش از انتشارات سروش.

طیبه شامانی، سیداحمد میرزاده و سیدحبیب نظاری نیز داوران بخش «شعر کودک و نوجوان» را بر عهده داشتند.

برگزیده بخش «درباره شعر»: «قرن‌های بی‌زمان: درآمدی تحلیلی - معرفت‌شناختی بر منطق الطیر عطار» اثر مهدی محبتی از انتشارات هرمس.

شایسته تقدیر بخش «درباره شعر»: «هشت رود» نوشته محمد کاظم کاظمی از انتشارات شهرستان ادب.

سیدوحید سمنانی، سیدمهدی طباطبایی و محمد مرادی داوران بخش «درباره شعر» بودند.





# ترجمه‌ای جدید از شیرکو بی‌کس

روزشمار شاعر»، «رنگ نامه» و شعرنمایشنامه «صندلی» اشاره کرد.

پرداخت‌های روایی طولانی و پر از حادثه‌های شاعرانه وام گرفته از ماهیت زندگی با توسل به فرم و جوهر و تخیل درازدامنی از مقوله شعرانجام می‌شوند و بنا برگفته خود شیرکو، دامنه خیالش که آن را مایه کار ادبی و هنری می‌پندارد، در بستر قصه‌گویی محلی دوران کودکی‌اش پرورده‌تر می‌شود. شیرکو بی‌کس، متولد ۱۹۴۰ سلیمانیه و فرزند فایق بی‌کس از شاعران مشهور کلاسیک گرد بود.

وی نخستین مجموعه شعرش را سال ۱۹۶۸ با عنوان «مهتاب شعر» منتشر کرد و در سال ۱۹۷۰ به همراه جمعی از نویسندگان و شاعران گرد بیانیه شعری روانگه (دیدگاه) را منتشر کردند تا شعر گردی را از رکودی که به آن دچار شده بود درآورند. القای لقب «همشهری فلورانس» توسط انجمن حقوق بشر ایتالیا و دریافت جایزه جهانی توخولسکی، مدال افتخار ادبیات در سال ۱۹۸۸ از دست انگوار کارلسن، نخست وزیر وقت سوئد، از جمله جایزه‌ها و افتخارات جهانی است که این شاعر کسب کرد.

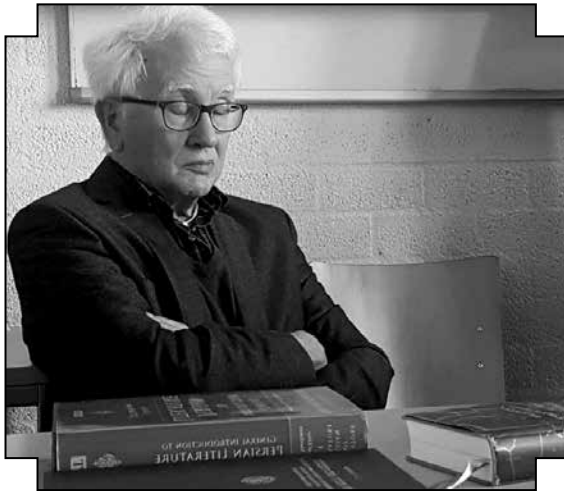
شیرکو بی‌کس، سرانجام در ۱۳ مرداد سال ۱۳۹۲ برابر با ۴ اوت ۲۰۱۳ به در بیمارستانی در سوئد درگذشت و سپس پیکرش به زادگاهش سلیمانیه انتقال داده شد و بنا بر وصیت‌اش در یکی از پارک‌های این شهر دفن شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این کتاب در بردارنده ۱۵۸ شعر کوتاه و بلند از این شاعر و مقدمه مفصل مترجم درباره زندگی و شعر شیرکو از لحاظ محتوا، مضمون و فرم است. همچنین علاوه بر مقدمه، ترجمه یادداشتی از شیرکو بی‌کس نیز درباره شعر امروز گرد در این کتاب آمده است.

مترجم در این کتاب به ترجمه شعرهایی از دوره‌ها و مجموعه شعرهای مختلف این شاعر با مضامین گوناگون و انواع تجربه‌ها و فرم‌های شعری وی پرداخته است؛ به طوری که این مجموعه می‌تواند نمودی کلی از شعر شیرکو بی‌کس به مخاطب ارائه دهد.

مختارشکری‌پور در بخشی از مقدمه این کتاب آورده است: «شعر شیرکو، سرشار از کنش‌ها و واکنش‌های شاعرانه‌ای است که نتیجه نگاه فراگیر او به زندگی و زیست شاعرانه با پیرامونش است. این نوع زندگی که در آثار شیرکو مشهود است، هم از بار تخیلی شگفت‌انگیزی برخوردار است و هم در بردارنده شامه تیزشاعری به اطرافش است.»

مترجم تاکید کرده است که برخی از مجموعه‌هایش، رمان‌ها و در برخی جاها داستان کوتاه‌های شعری تلقی می‌شوند تا جایی که خودش به صورت واضح عنوان رمان شعر یا قصیده شعر روی آنها گذاشته که از آن جمله باید به مجموعه‌های «مار، صلیب و



# پیتار دوبروین درگذشت

et Indices de la Tradition Musulmane بود که حاصل پربار آن در آمستردام، توسط علوم آکادمیک پادشاهی هلند به چاپ رسید. افزون بر این، استاد دوبروین همکاری وسیعی در پروژه تاریخ ادبیات ایران از یان ریپکا و نقش برجسته‌ای در پدیدآوردن برگردان انگلیسی کتاب داشت که در سال ۱۹۶۸ و در شهر دوردِخت به چاپ رسید.

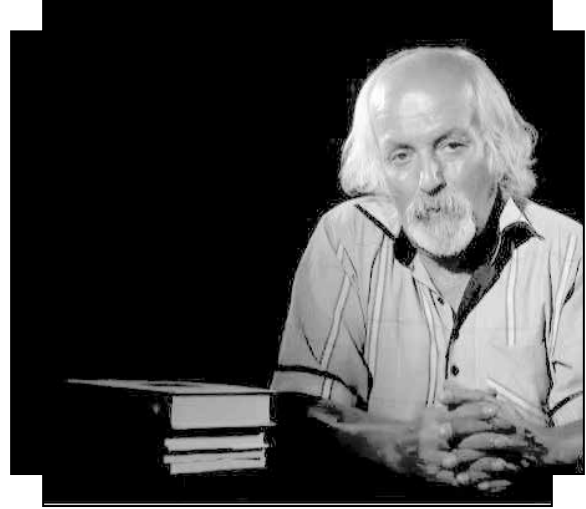
استاد دوبروین در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ به عنوان راهنمای ممتاز در بخش خاورمیانه موزه دولتی قوم‌شناسی در رتردام به کار مشغول شد. او از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۵، نخست به عنوان استادیار و سپس به عنوان استاد ممتاز کرسی‌دار در بخش ایران‌شناسی دانشگاه لایدن به کار پرداخته و خدمات فراوان و ارزنده‌ای به زبان و فرهنگ ایران ارائه داد. استاد دوبروین در این سال‌ها در کنار درس فرهنگ و تاریخ و هنر و ادبیات پارسی، زبان‌های دیگری چون کردی و پهلوی را - که مورد توجه خاص او بودند- تدریس کرده و دانشجویان را به فراگیری این زبان‌های ایرانی تشویق می‌کرد.

ایرنا- پروفیسور پیتار دوبروین، استاد بازنشسته‌ی ادبیات فارسی دانشگاه لیدن، در سن ۹۲ سالگی درگذشت.

به گزارش ایرنا از شهر کتاب، پروفیسور پیتار دوبروین، استاد بازنشسته ادبیات فارسی دانشگاه لیدن، در سن ۹۲ سالگی درگذشت.

یوهانس توماس پیتار دوبروین [Johannes Thomas Pieter de Bruijn] در ۱۲ جولای ۱۹۳۱ در شهر تاریخی لایدن، هلند به دنیا آمد. او پس از پایان دوره دبیرستان به تحصیل در رشته‌های عربی و اسلام‌شناسی نزد استادانی چون ی. ج. کرامر، یوسف شافت و س. ا. بونه باکر پرداخت. استاد دوبروین پس از پایان این رشته‌ها به فراگرفتن زبان و فرهنگ فارسی و ترکی نزد استاد کارلیان مشغول شد و این رشته‌ها را نیز با موفقیت به پایان رسانید. او پس از پایان تحصیلات، در پروژه‌های گوناگونی شرکت کرده و همکاری‌های خود را در حوزه‌های مختلف شرق‌شناسی ارائه کرده‌است.

یکی از پروژه‌هایی که استاد دوبروین در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰ در آن شرکت جست، پروژه Concordance



## فریده رازی درگذشت

به گزارش ایرنا، فریده رازی، نویسنده، پژوهشگر و مترجم تحصیلات متوسطه تا دانشگاهی را در نیویورک گذراند. سال‌ها در کتابخانه ملی ایران کارشناس ارشد بخش ایران‌شناسی فعالیت کرد. آثار تحقیقی‌اش عبارت از فرهنگ عربی-فارسی؛ کتاب‌شناسی مانی و مانویت؛ کتاب‌شناسی ادبیات داستانی معاصر ایران است.

این مترجم نمایشنامه آمادئوس (درباره زندگی موتسارت) را هم ترجمه کرده است. از رمان‌های او می‌توان به عذاب روز سایه؛ عطر مه شامگاه؛ من و ویس؛ زنی با چتر زیر باران؛ یکی از اصحاب کهف و زیر پلک بسته اشاره کرد.

## دلواری‌زاده درگذشت

محسن دلواری‌زاده شاعر در ۷۲ سالگی از دنیا رفت.

ابوالقاسم ایرانی - شاعر - با اعلام این خبر به ایسنا گفت: این شاعر بوشهری از مدت‌ها بود که بیماری مزمن ریوی داشت و مدتی هم در بیمارستان بستری بود. در نهایت امروز، چهارشنبه (۱۲ بهمن ماه) در منزل خود از دنیا رفت.

محسن دلواری‌زاده، متولد ۱۳۲۹ در بوشهر بود. «بغض در گلوی فریاد: غزل‌ها و چهارگانه‌های محلی بوشهر» (۱۳۹۸، لیان)، «لالایی باد و شیون دریا: غزل‌ها و دوبیتی‌های محلی بوشهر» (۱۳۹۷، لیان) و «ترنم وترمه خیال» (۱۳۹۶، لیان) از آثار به جا مانده از این شاعر است.

# نومیدی زیباترین گناه کبیره است

بایاد دکتر سید نعمت الله عبدالرحیم زاده لاری

دوست من

دیدی خیابان های لاهه باکوچه های پامنار تفاوتی نداشت!

باید می دانستی فقط کفش های ما با هم فرق دارد.

آن جا به یاد من در کوچه های پامنار لاهه یک قدم بیش تر بردار.

به جای من چتر سیاه مژگانت را بگشای: این جا همیشه یک روز بارانی هست!

**یادت هست؟ چقدر لباس هاس آبی ما با هم رفیق بودند.** چقدر نومیدی تو امیدوارکننده بود.

چقدر نومیدی تو نومیدی بود.

مثل اینکه پشت به وادی السلام بایستی و به رو به روی خودت اشاره کنی و بگویی وادی السلام آن جا است!

همان سان که من می گفتم: نومید باش تا رستگار شوی!

حالا اگر رستگار نیستی، یک شنبه ها به مسجد برو و توبه کن!

بگو: آهای مسیح مسلمان!

تو میوه های تازه ی گناهانم را بخر و به یحیای تعمیردهنده بگو تا گناهانم را بشوید.

و برای من دعا کن تا میوه های ناامیدی ام کال بماند.

آن گاه به قبرستان مرکزی لاهه برو و به مردگان بگو:

خانم ها، آقایان! مرگ چه خوشبختی بزرگی است.

**تنها کسانی به بهشت می روند که نومید بوده اند.**

دوست من!

نومیدی، زیباترین گناه کبیره است آن سان که عشق.

شادی های زندگی نومیدی است.

آرامش و خوشبختی نومیدی است.

و شیطان نا امیدترین انسان است.

ای کبوتر سیاه بغدادی!

سلام خسته ی مرا به آوارگان نا امید برسان:

به سورن کی یر که گور، در ناصریه

به فردریک نیچه، درسوریه

به سید نعمت الله عبدالرحیم زاده، در لار.

بگو: دیوانه ها دوستتان دارم.



# خودم را جستم

## درسوکدکتر

بود که مومن بود، از بسیاری مومن‌تر حتی، ولی زهد فروش نبود. همین که اهل فروش نبود زمینش زد و ناکامی را بر او تحمیل کرد. درس نمی‌خواند که بفروشد. مقاله نمی‌نوشت که بفروشد. سمینار شرکت نمی‌کرد که بفروشد.

نمی‌توانست پایان‌نامه‌ای بردارد که سریع دفاع کند: چیز ساده‌ای در سیاست و اخلاق مثلاً یا در تطبیق فلان فیلسوف اسلامی با هگلی، دکارتی چیزی که ذهن پرکن باشد ولی بی‌دردسر. اگر درباره مفهوم «پلیس» در آموزه‌های یونانی کار می‌کرد، می‌خواست برای کوشش‌های امروز معنای جدیدی پیدا کند. می‌خواست با «سرزمین‌زدایی از تصورات افلاطونی» برای آن‌ها «سرزمین‌زایی» کند، می‌خواست «هویت تاریخی ما را با بن‌مایه فلسفی بفهمد» و برای این‌کار به سرآغازهای فلسفه هجرت می‌کرد. به یونان. رمز علاقه دکتر به یونان تلاش برای فهم هویت ایرانی با بن‌مایه‌های فلسفی بود.

تلاش برای «جمع آزادی با حکمت و دوستی» (نقل‌های داخل گیومه نقل از نوشته‌های او است با نام «نوروز در ماگنسیا»)، اما در این زمانه بی‌رحم که باید عقل معاشت درست کار کند، با بروکراسی خشنی که نمی‌گذارد بالای چهل سال استخدام دانشگاه شوی، با تنگ‌نظری و بی‌مسوولیتی افرادی که وقتی خودشان از منصب‌شان کنار رفتند پرونده او را بایگانی کردند، نشد. خودش هم بلد نبود. لجباز بود. نمی‌فروخت، مجیز نمی‌گفت. کیف‌کشی نمی‌کرد و به هر حال نشد. هیچ امکانی برای او محقق نشد.

تا اینکه پایان همه امکان‌ها، مرگ فرارسید. در «بیو»ی تلگرامش عبارتی یونانی از هراکلیتوس نوشته بود که معنای تقریبی‌اش می‌شود «خود را جستم» و عاقبت در هوای آلوده تهران، قلب دکتر که یک‌بار هم قبلاً به او هشدار داده بود در تنهایی از کار افتاد و جست‌وجویش به اتمام رسید. خاک بر او مهربان باد و دریغ و درد که ما دریغا گوی او شدیم و نظاره‌گر پایان یافتن امکان‌هایی که می‌شد بار دهد و به ثمر بنشیند. یادش گرامی.

احمدرضا قایم‌مقامی

در «بیو»ی تلگرامش عبارتی یونانی از هراکلیتوس نوشته بود که معنای تقریبی‌اش می‌شود «خود را جستم» و عاقبت در هوای آلوده تهران، قلب دکتر که یک‌بار هم قبلاً به او هشدار داده بود در تنهایی از کار افتاد و جست‌وجویش به اتمام رسید. خاک بر او مهربان باد و دریغ و درد که ما دریغا گوی او شدیم و نظاره‌گر پایان یافتن امکان‌هایی که می‌شد بار دهد و به ثمر بنشیند.

بابک ذاکری در روزنامه اعتماد نوشت: ما به او نمی‌گفتیم سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده. نام او برای ما دکتر بود. حتی تا سال‌ها نامش را درست نمی‌دانستیم با اینکه با او دوست بودیم. در سال‌های دهه ۱۳۸۰ و تا میانه دهه ۱۳۹۰ اگر در دانشکده ادبیات که انواع دکتر در آنجا تردد داشت و دارد، سراغ «دکتر» را می‌گرفتی، سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده را نشانت می‌دادند. خانه‌اش دانشگاه بود و خوابگاه. کارش خواندن و حرف زدن و البته تدریس کردن بی‌که استاد باشد. بی‌که شاگرد داشته باشد. دو روز در هفته کانت می‌خواند در حیاط دانشکده با بچه‌های علاقه‌مند. کانت نمی‌گفت مانند استادها، کانت می‌خواند. می‌خواندند. با هم می‌خواندند. با دکتر می‌خواندند. در آن دانشکده که متن‌خوانی چندان رواج ندارد با دقت و وسواس در حیاط دانشکده و نه در کلاس‌هایش می‌نشست و کانت می‌خواند. افلاطون می‌خواند. پاره‌های پیش‌از سقراطیان می‌خواند. بسیاری از همراهانش در این خوانش‌ها امروز در ایران و اروپا استاد شده‌اند. اما او نشد.

هیچ امکانی برای آن ذهن خلاق محقق نشد. امکان تدریس، امکان با فراغ بال زندگی کردن. فکر نکردن به کرایه، به مرضی به پول. تا اینکه همین چند روز پیش (حتی تاریخ دقیق فوتش را نمی‌دانیم) تمام امکان‌ها برای او ناممکن شد و دکتر شد تجسد ناکامی تحمیلی. به‌رغم اینکه برای دکتر به‌ظاهر درها می‌توانست گشوده شود که جبهه رفته بود در نوجوانی که مدتی حوزه درس خوانده



## سید نعمت الله عبدالرحیم زاده

برخی از آثار و اندیشه های مرحوم دکتر سید نعمت الله عبدالرحیم زاده دکترای فلسفه غرب، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران

افلاطون و خداناباوران

ژئوفیلاسوفی و مسئله ترجمه

دیالکتیک زیبایی در اندیشه افلاطون

نظر و عمل در آغاز فلسفه

سولون؛ راهبر آتن به سوی دموکراسی

خدا و انسان در جهان اسطوره ای همر و هسیود و س

هومر و قدرت سیاسی (بررسی نسبت متقابل فرمانروا و فرمان بر)

«من» کانتی و مطالعات فرهنگی (شناخت «من» در مطالعات فرهنگی)

زبان خدا، زبان انسان (ملاحظه انتقادی در نظریه وحی دکتر سروش)

«صدرا» و مسئله «وجود» (گذری بر وجودشناسی ملاصدرا)

طنز ایرانی ما (تناسب خنده و عمل ایرانی)

فلسفه باشگاه ندارد/ درباره این که آیا فلسفه قابل آموزش است

عرفان اسلامی (در رادیو گفتگو)

ای دروغو که گفتی راسه؟!

میان رشته ای و تخصص با هم منافات ندارند

الگوی پیشرفت؛ ضرورتها و مقتضیات

بشیر و نذیر